

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم شاکر خدای متعال هستم که در هر زمانی عده ای از بندگانش را استعداد و تکلیف می دهد که ارتباط قلبی با همسخن خود برقرار کرده هدایتشان کنند. سوالی از شما داشتم شمایی که قلبم را مستعد و علاقمند به ورود به عالمتان میبینم شمایی که در تمامی ابعاد نگاهی نو به مسایل دارید در رابطه با دوستی برادران ایمانی چه میفرمایید؟ چرا در اطرافیان کسی را بسیار به خود نزدیک میبینم و با دیگری برقراری ارتباط را محال میدانم؟ چرا در بدو ورود به جمعی بعضی را محبوب دل خود میبینم؟ چرا گاهی این احساس ها دوطرفه نیست؟ چگونه می شود کسی را که دوستش دارم بی میل به خود و برعکس خود را بی میل به محبین خود می یابم؟ اصلا باید به این احساسات ترتیب عملی داد؟ دلیل نهی بعضا شدید علمای اخلاق از ایجاد چنین دوستی هایی چیست؟ در باب عقد اخوت باید چه رابطه ای بین دو نفر باشد که در فضایی که برادر از برادر فرار میکند شفیع هم باشند و یکدیگر را فراموش نکنند؟ این احادیث بسیار عجیبی که در مورد برادر دینی بیان شده چطور قابل تفسیر هستند؟ (مثلا وقتی به هم دست می دهند گناهانشان میریزد و...) و بیشمار سوال دیگر که به نظر حقیر وجود کتابی در این زمینه در بین مجموعه کتب ارزشمند شما خالیست. با تشکر از استاد گرامی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: راه کار کلی ما آن است که در زیر سایه ی اسلام و ائمه «علیهم السلام» و انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری، همه را دوست داشته باشیم، هرچند شیطان با ایجاد خطورات در بین ما و دیگران مانع نزدیکی ما شود ولی کید شیطان ضعیف است و اگر ما مسیر خود را درست ادامه دهیم آن دوستی هایی که دوستی با دوستان خدا است هرچه بیشتر ظهور می کند. این موضوع یک بحث سلوکی است که سعی شده در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه مطرح شود و با خودسازی باید همراه باشد. موفق باشید